

نامه دوم رفیق جانباخته سلیمان محمدی (تیرماه ۱۳۶۵)

بیش از ۵۰ کوره خانه ساروقامیش بوکان دست به اعتصابی یکپارچه زدند!

رفقا!

با سلام و درودهای کمونیستی، شادی و پیروزیتان را آرزومندم. این دومین نامه است که برایتان مینویسم در حالیکه نامه اول را خیلی وقت پیش فرستادم. این خبرها را خودتان برای رادیو تنظیم کنید.

کارگران بیش از ۵۰ کوره خانه های ساروقامیش در محور جاده بوکان - میاندوآب برای تعیین دستمزد دست به اعتصابی سازمان داده شده و یکپارچه زدند. مدتی بود که کارگران قالبدار از کارفرمایان میخواستند که دستمزد آنان را تعیین کنند و کارفرمایان با دادن جواب "مثل کوره های دیگر" از تعیین دستمزد طفره می رفتند تا در آخر فصل کار بتوانند به میل خود هر چقدر خواستند به آنها بدهند به همین جهت در روز ۲۰-۴- تیر ماه بیش از ۱۱ کوره خانه دست به اعتصاب زدند. کارفرمایان به تکاپو افتاده سعی می کردند با وعده و فریب در میان کارگران تفرقه بیندازند و عده ای نیز دست به تهدید و تعطیل کوره زدند. علی زبید می گفت که "هر کس مطابق میل او کار نکند و سائلش را جمع کند و به خانه اش برگردد" و سعید قاضی می گفت "اگر تا دو سال دیگر صبر کنند دیناری به کسی نمی دهیم" و اسماعیل بیوایی تهدید به تعطیل کوره میکند، اما این وعده ها و تهدیدها نه تنها کارگران را مایوس نکرد بلکه در روز ۱۱-۴ بقیه کوره ها نیز به اعتصاب پیوستند. در فاصله اعتصاب مزدوران گروه ضربت رژیم با همکاری بعضی از کارفرمایان مرتب برای ترساندن کارگران در کوره ها حضور می یافتند و در روز سه شنبه بنا به شکایت امیر قاضی ساعت ۱۰ صبح پاسداران به کوره امیر ریخته و به اذیت و آزار و توهین به کارگران می پردازند که کارگران به مقابله می پردازند و دسته جمعی در مقابل آنان ایستادگی می کنند. پاسداران می گویند "صبر کنید حق شما را در زندان می دهیم". روز چهارشنبه یکی از ماموران اطلاعاتی رژیم از مهاجد آمده می گوید "این اعتصاب بدستور کیست و چه کسی اعلامیه ها را پخش کرده و شما بدستور کومه له دست به اعتصاب زده اید". کارگران در جواب میگویند "که اعلامیه ها در تمام کوره ها پخش شده و ما برای تعیین دستمزد دست از کار کشیده ایم و حق ما باید تعیین شود". از وزارت کار هم نیز آمدند ولی نتوانستند دخالتی بکنند. اعتصاب تا روز پنج شنبه ادامه یافت و در آن روز با بستن قرار داد ۱۵۰ تومان کارگران به سرکار بازگشتند. کارگران در شرایطی دست به اعتصاب زدند که بیکاری و گرانی بیداد می کند و کارفرمایان امسال را سال خود می دانستند!

در فواصل متفاوت و در کوره های مختلف کارگران چرخ کش برای افزایش دستمزد هایشان دست به اعتصاب زدند و بعد از یکی دو روز اعتصاب توانستند به خواسته هایشان برسند.

در کوره خانه های اردبیل کارگران برای درست کردن حمام توسط کارفرما دست به اعتصاب زدند و بعد از دو روز اعتصاب توانستند به خواسته هایشان برسند.

در یکی، دوماه اخیر رژیم با همکاری ارباب فشار زیادی را بر کارگران مصادره (منظورش مصادره زمین ارباب) روستای ئاجی کند وارد کرده اند و هر بار ارباب با دادن پول به یکی از مزدوران رژیم آنها را به سراغ کارگران می فرستد و به اذیت و آزار آنان می پردازند و یا با کشاندن آنان به اطلاعات و زندانی کردن آنها و کشاندن آنها به دادگاه فشار زیادی بر آنان وارد کرده است و یا سعی کرده در میان خود کارگران تفرقه بیاندازد و یا اینکه "زمین ها مال شما آنرا در میان خودتان تقسیم کنید و باغ ها را به ما پس بدهید" و هر بار به نوعی در مقابل آنان ظاهر گشته است و تا کنون کارگران متحدانه در مقابل این دسایس و فشارها ایستادگی کرده اند و من گزارش مشروح آنرا برایتان می فرستم اما لازم است ما پشتیبانی قاطعانه خود را از آنان دوباره اعلام داریم.

مزدوران گروه ضربت ژاندارمری برای سربازگیری به روستای وشته په می روند و عده ای به داخل روستا ریخته و عده ای را در آنجا دستگیر میکنند و عده ای نیز از طرف باغ احمدی بالای ده به سمت مزارع اطراف روستا یورش می برند و جوانان با دیدن آنها پا به فرار می گذارند و مزدوران به سمت یکی از جوانان تیراندازی می کنند که جوان مزبور موفق به فرار می شود. در این میان چند نفر را دستگیر می کنند. زنان مبارز به محض اطلاع از جریان فوراً به مقابله با مزدوران شتافته و با دادن شعار علیه رژیم در حالیکه بر تعداد مردم افزوده می شد دور مزدوران را می گیرند. مزدوران از ترس حالت آماده به خود می گیرند و مردم را تهدید می کنند اما مردم خواستار آزادی دستگیرشدگان می شوند در این میان یکی از زنان به یکی از مزدورانی که به وی توهین نموده بود حمله می کند که سرباز مزبور ناچار به فرار می شود و مزدوران دستگیرشدگان را به قید ضمانت آزاد می کنند.

عین این خبر را به کمیته تشکیلات روستایی بدهید

رفیقتان - سلیمان محمدی ۶۵-۴-۳۰

توضیح:

بعد از اعتصاب موفقی که سلیمان در نامه بالا گزارش کرده، او در آخرین گزارشاتی که برایمان فرستاد به شرایط یک هفته قبل از شروع اعتصاب و نقش سازمانگرا نه خودش و رهبران عملی اعتصاب، به توطئه های مشترک صاحبان کوره پزخانه و حزب دمکرات کردستان ایران در جریان اعتصاب و سپس به دوره بعد از اعتصاب و ترفندها و تهدیدهای مشترک صاحبان کوره پزخانه و اداره کار رژیم و پاسداران می پردازد. صف بندی این جدال طبقاتی و مبارزاتی در این اعتصاب بسیار گویا است. یک طرف کارگران کوره خانه و سلیمان کمونیست و کادر حزب کمونیست و کومه له و طرف مقابل صاحبان کوره پزخانه، جمهوری اسلامی و پاسداران و حزب دمکرات کردستان ایران. به زودی و در فایل بعدی آخرین گزارشات سلیمان را به ما که این جنبه های مهم را نوشته در اختیارتان میگذارم و شما را به مطالعه و تکثیر این نامه ها و گزارش بعدی دعوت میکنم.

رحمان حسین زاده

سند و درکی کوششی، شایسته و سرزنده را آوردند. این دوین نامه است. بر طبق این نویسم دره کیم نامه اول راهی وقت پس از سر آمدن خبر از خبران برای بار اول تسلیم کنیم
 کارگران پیش از ۵ کوره خام از کوره خام آن بار و ماشین در کوره باره بویگان بینا ندانند بر این تعیین و سرزد است به اعتقاد بی سازمان داده شده و طبق رسم بودند.
 در آن بودیم کارگران کابل از کارفرمایان می خواستند که سرزد آنان را تعیین کنند و کارفرمایان با باران جوابی مثل کوره ای را از تعیین و سرزد همفره می وقتند تا آن فر
 فصل کار بتوانند به مثل خود در کوره خلاصه ۳ آنگاه هفت ۳ هفت در روز ۴۰۰۰ تیرانه پیش از آن کوره خام دست به اعتقاد بودند. کارفرمایان به تکیه بر اعتقاد و بی
 می کردند به و غلبه و فریب دیدگان کارگران تفرقه بیندازند و عده ای نیز دست به تهدید و تعطیل کرده بودند. عجز بیم می لغت که هر کس مطابق بین او کار نکند و حقش را بجمع
 کند و به خام اش بر گردد و صیغه ماضی می گفت او تا در سال دیگر هم بکند و دنیای به کسی نمی فهمد اما علی بنای او ای تهدید به تعطیل کوره می کند. همانی و همه که بودند بر آن تکیه کارگران
 را تا بپوشد و در روز ۴۰۰۰ اراغ بجمع کوره که تیر به اعتقاد بیوستند. در ظاهر اعتقاد سرزدان کوره فریب تیریم، حکاری یعنی از کارفرمایان وقت برای سرزدان
 کارگران در کوره که حضور می یافتند و در روز سه شنبه بنام شکایت ابرو ماضی است. ابرو به سرداران به کوره چه رنجیده و به اذیت و آزار و توهمین به کارگران می بردارند که کارگران
 به مطابق می بردارند و دست حق در حال آمان استادی می کنند. با سرداران می کنند همه کسب حق می سازند زندان می کشیم. روز سه شنبه یعنی از سرداران اطلاع می شد که همه کارگران
 می گویند این اعتقاد به دستور کتبت و غیره کسی این اعتقاد را می بخش کرده و همه با سر کوبند دست به اعتقاد زد، ام کارگران در جواب می گویند که اعتقاد آرزوی کوره که کش
 شده و برای تعیین و سرزد دست از کار کشیدن نام و حق ما باید تعیین شود. از وزارت کار خبر آمدند ولی توانستند درهای بگشاید. اعتقاد آرزوی تعیین نامه است و در این
 روز ما چنین قرار دادیم: توان کارگران به سر کار باز نشدند. کارگران در این ایلی دست به اعتقاد زدند که بیگاری و توانی بیم از می کند و کارفرمایان ارسال ارسال خود را بسته
 در خواست سفارت و در کوره ای گفت کارگران در حق کش برای انزایس دستم کشان دست به اعتقاد زدند و بعد از آن می، در روز اعتقاد به استند به خواستهایشان پسند.

در کوره خام ای اردیل کارگران با درست کردن کار کار ما دست به اعتقاد زدند و بعد از دور و ااعتقاد به استند به خواستهایشان پسند.

در این ماه اخیر تمام با بهطاری ارباب فشار زیاد را بر کارگران معذوره و دستای می کشند و ارد کرده اند و بار بار به باران پول به بی کس زد و در آن مردم آرزوی تمام سواغ
 کارگران می فرستند و به اذیت و آزار آن می بردارند و با مالش زندان آمان به اطلاع است و زندانی کردن آنها و کسب حق آنها و درگاه نشا روزی بر آنان وارد کرده است و
 به سبب کوره در میان خود کارگران تفرقه بیندازد و با اینکه از بین مال شما آرزویان خودتای تعیین کنید و باغ که ما پس به همه در هیچ نوعی در حال آرزویان کار گرفته
 است و تا آنکه کارگران معذانه در میان این در این وقت که استادی کرده اند و من که این مشرف آرزویان است که در دستم آرزویان است اما شکیبایی و قاطعانه خود را از آرزویان دو
 نایر، اعداد داریم.

زردوان کوره فریب زندان برای سوا بگیری به دستای و ششیم می روند و عده ای به باقی روستا رنجیده و عده ای خود را در اینجا و نظری می کنند و عده ای نیز از آن باغ اهری و مایه
 در به سمت ترام افراط روستا یورین می روند و در اینجا با بریدن آنها با به فرار می بردارند و زردوان به سمت بی از ~~جوانان~~ جوانان تیراندازی می کنند که جوانان نیز بر سر موتی به
 فراری شود. در این میان تیرهی تفرقه تعیین می کنند. زمان مبارزه محض اطلاع از هر یک قرار به مقام ما زردوان شفا قدم و باران شعار علیه مردم در حال تعیین برقرار
 مردم انزوی می شد و زردوان را می نرند. زردوان از کس حالت آماره خود می نرند و در کار آمدند می کنند تا مردم خواست آزادی و شکیبایی آنها می شوند در این
 میان بی از زمان به بی از زردوان که به وی تفریق عذره بود و حق می کند که همه را بر بویار با به فراری شود. زردوان و شکیبایی آنها را به قهر ضمانت آزادی می کند

عین این خبر را به کمیته تنظیمت روزیال
 رفیقان - سلیمان محمدی ۳۰/۹/۶۵
